

ارزیابی پیامدهای اجتماعی برنامه‌های پیش‌گیری از جرم در فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: پدیده ارادل و اوباش)^۱

سهیلا صادقی فسایی،* صلاح‌الدین قادری**

چکیده

سیاست‌ها و برنامه‌های پیش‌گیری از جرم در فضاهای عمومی شهری به منظور جلوگیری از وقوع جرم یا کاهش میزان جرم و در جهت ارتقای امنیت عمومی و اجتماعی شهروندان به اجرا گذاشته می‌شوند. در فرایند پیش‌گیری از جرم ممکن است متغیرها یا پدیده‌هایی بروز کند که ناخواسته و ناهماهنگ و در مواردی در تضاد با اهداف مورد انتظار سیاست یا برنامه باشد. با توجه به این امر، صاحب‌نظران حوزه پیش‌گیری در تعریف برنامه یا سیاست پیش‌گیری بر پیامدها و دست‌آوردهای آن تأکید دارند نه بر اهداف آن.

روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در این مقاله کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای و انجام مصاحبه‌های عمیق با کارشناسان اجتماعی و مردم در فضاهای عمومی شهری است. بر اساس یافته‌های این مقاله مهم‌ترین مسئله برنامه‌های انتظامی و پلیسی در مبارزه با پدیده ارادل و اوباش و پیش‌گیری از آن ضربتی و موقتی بودن طرح‌های پلیسی است و مهم‌ترین پیامدهای آن نیز هویت‌یابی، سازمان‌یافتگی و ایجاد زمینه برای شکل‌گیری جرائم در سطح گسترده‌تر و آسیب‌رسان‌تر است.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی پیامدها، پیش‌گیری از جرم، فضاهای عمومی شهری، پدیده ارادل و اوباش.

^۱ این مقاله از پایان‌نامه دکتری با عنوان «بررسی پیامدها و نتایج برنامه‌های پیش‌گیری از جرم در فضاهای عمومی با تأکید بر طرح ارتقای امنیت اجتماعی» اخذ شده است که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به انجام رسیده است.

* دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران s_sadeghi@yahoo.com

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد salahaldin_gh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۶

مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، صص ۹۳-۱۱۸

مقدمه

استراتژی‌ها و برنامه‌های عملیاتی پیش‌گیری از جرم نه تنها از جرم و بزه‌دیدگی پیش‌گیری می‌کنند، بلکه در سطح خرد امنیت و احساس امنیت عمومی و اجتماعی شهروندان را افزایش می‌دهند و منجر به ارتقای کیفیت زندگی آن‌ها می‌شوند. در سطح کلان نیز منجر به تقویت انسجام اجتماعی و نظم عمومی و کمک به توسعه پایدار کشورها خواهند شد. احساس امنیت در فضای عمومی شهری در ارتقای الگوی فعالیت‌های اجتماعی مؤثر است و مشارکت بهتر را در صحنه اجتماعی به وجود می‌آورد. علاوه بر این، پیش‌گیری در درازمدت منجر به کاهش هزینه‌های سیستم رسمی عدالت کیفری و سایر هزینه‌های ناشی از جرم می‌شود و فرصت‌هایی برای اعمال رویکردهای بشردوستانه و کم‌هزینه در زمینه جرم به وجود می‌آورد.

پدیده اذیت و آزار، اخاذی، ایجاد مزاحمت و ایجاد ترس در شهروندان در فضاهای عمومی از نمونه‌های بارز جرم و کجروی است. برچسبی که به مجرمان این پدیده در مواردی الصاق می‌شود «اراذل و اوباش» است. در قوانین کیفری ایران از مجرمی به نام «اراذل و اوباش» نام برده نشده است. این مفهوم در حوزه عمومی بیشتر برای کسانی به کار می‌رود که دارای جرایمی مانند اخاذی، ایجاد مزاحمت و عربده کشی و... در سابقه خود هستند. استفاده از این مفهوم در این مقاله به‌منزله مشروعیت دادن به این مفهوم از سوی نگارندگان مقاله نیست. استفاده از آن به منظور تبیین مجموعه اقداماتی است که در طرح ارتقای امنیت اجتماعی ذیل این برچسب صورت گرفت.

برای تعریف و مشخص کردن شاخص‌های اراذل و اوباش بودن اختلاف نظر زیاد است. اما شاید مفهوم «مهاجمان فضا یا محله»^۱ مفهوم مناسبی برای توصیف پدیده اراذل و اوباش باشد. این اصطلاح از سال‌های ۱۹۹۰ رایج شد و عمدتاً به افراد جوانی اطلاق می‌شد که در جهانی از ناهنجاری و هیجانات گم شده‌اند، پرسه‌زنی و علافی، هجوم به فضای دارندگان قدرت، درگیری خیابانی، ضرب و شتم، جابه‌جایی مواد مخدر، بی‌پروایی و جسارت و ماجراجویی بی‌نتیجه و پرسه‌زنی و بیکاری از ویژگی‌های این گروه است. این افراد محله‌ها و خیابان‌های خاصی را قلمرو و حوزه در اختیار خود تعریف می‌کنند و از آنجا به‌عنوان مکانی برای تضادها و دوستی‌ها بهره می‌جویند.

^۱ Space invaders

طرح مسئله

اگرچه هر مداخله اجتماعی دارای مقاصد مشخص و معینی است، می‌تواند در برگزیده نتایج ناخواسته‌ای هم باشد و ممکن است مقاصدی که برای رسیدن به آن‌ها فعالیت می‌کنیم با نتایجی که به بار می‌آید خیلی متفاوت باشد. در مواردی ممکن است نتایج ناخواسته به‌طور کامل مقاصد از پیش تعیین شده را کم‌رنگ کند و تحت تأثیر قرار دهد. پیش‌گیری از جرم با توجه به اهمیت و ضرورتی که در مقدمه به آن اشاره شد، امروزه به‌شدت در اولویت نهادهای امنیتی و حمایتی قرار گرفته است. اما آن‌چه کمتر به آن توجه شده است، نتایج ناخواسته برنامه‌های پیش‌گیری از جرم در حوزه اجتماعی است. در واقع می‌توان گفت پیش‌گیری از جرم به‌وسیله اهداف آن تعریف نمی‌شود بلکه به‌وسیله پیامدهای آن است که تعریف می‌شود. این پیامدها می‌تواند دست کم به دو طریق ارزیابی شود ۱. تعداد رخدادها یا مجرمانه ۲. تعداد متخلفان (هیرشی،^۱ ۱۹۸۹). بعضی هم این پیامدها را براساس میزان صدمات پیش‌گیری شده (ریس و روس،^۲ ۱۹۹۳: ۵۹-۶۱) یا از طریق تعداد قربانیان صدمه‌دیده یا صدمات تکرار شده ارزیابی می‌کنند (شرمن^۳ و همکاران، ۲۰۰۶: ۴).

بنابراین، امروزه ارزیابی پیامدها به‌عنوان حوزه‌ای تخصصی در بسیاری از حوزه‌های مداخله اجتماعی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. مقاله حاضر بر مبنای حوزه «ارزیابی پیامدها» به‌طور عام و «ارزیابی پیامدهای اجتماعی» به‌طور خاص درصدد بررسی پیامدهای ناخواسته و منفی برنامه‌های پلیسی و انتظامی صرف در پیش‌گیری از پدیده ارادل و اوباش است.

بکر (یکی از صاحب‌نظران ارزیابی پیامدهای اجتماعی در انجمن بین‌المللی ارزیابی پیامدهای اجتماعی)، ارزیابی پیامدهای اجتماعی را فرایند شناسایی پیامدهای آتی یک عمل در دست انجام یا پیشنهادی که به افراد، سازمان‌ها و سیستم‌های کلان مربوط می‌شود تعریف می‌کند (بکر و ونکلی، ۱۳۸۸: ۱۱).

¹ Hirschi

² Reiss & Roth

³ Sherman

ونکلی، که خود یکی از صاحب‌نظران اصلی ارزیابی پیامدهای اجتماعی در انجمن بین‌المللی ارزیابی پیامد است، در تعریف ارزیابی پیامدها می‌گوید: «ارزیابی پیامدهای اجتماعی فرآیند تحلیل (پیش‌بینی، برآورد و بازاندیشی) و مدیریت پیامدهای خواسته و ناخواسته (مثبت و منفی) مداخلات برنامه‌ریزی شده (سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها) برای محیط انسانی و هرگونه فرآیند تغییر اجتماعی ناشی از این مداخلات است، به نحوی که محیط انسانی و زیستی - فیزیکی پایدارتر و عادلانه‌تری پدید آورد (ونکلی، ۲۰۰۳: ۶).

توجه به پیامدها و مخصوصاً پیامدهای اجتماعی در حوزه پیش‌گیری از جرم مسئله مهمی است که در طول سه دهه اخیر با روند روبه‌رشدی مواجه بوده است.

شاید بتوان ارزیابی مداخله‌های پیش‌گیرانه را به دو حوزه تقسیم کرد: ارزیابی علمی و ارزیابی عمل‌گرایانه. در رویکرد اول، برنامه‌های پیش‌گیری با تکیه بر نظریه‌های جرم‌شناسی به گونه‌ای طراحی می‌شوند تا عوامل خطر را کنترل کنند یا از بین ببرند. ارزیابی این رویکرد پیش‌گیری اغلب بر مبنای سنجش میزان تأثیرگذاری برنامه‌های پیش‌گیری بر این عوامل انجام می‌شود. در مقابل، در رویکرد دوم، مبنای نظری مداخله‌های پیش‌گیری چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و ارزیابی‌های انجام‌شده مبتنی بر شاخص‌های تجربی نیست. در این رویکرد پیش‌گیری از جرم و ارزیابی نتایج آن بیشتر موضوعی سیاسی تلقی می‌شود تا مسئله‌ای فنی و کارشناسی. پاسخ‌های مقطعی، فوری و مبتنی بر ملاحظه‌های سیاسی به جرم معمولاً فاقد شاخص‌های عینی سنجش‌پذیر است. این امر موجب شده تا شواهد و دلایل تجربی کافی در مورد نتایج واقعی این نوع مداخله‌ها در دسترس نباشد. با این حال، پژوهش‌های محدودی که در این زمینه انجام شده نشان می‌دهد مداخله‌های ناسنجیده و فاقد مبنای نظری، پیامدهای زیان‌باری چون تشدید وضعیت بزهکاری، به هدر رفتن انرژی و توان محدود نهاد‌های مسئول پیش‌گیری از جرم، انحراف سیاست‌های کنترل جرم، ارزیابی ناپذیری مداخله‌های پیش‌گیرانه و نیز ارائه آمارهای اغراق‌آمیز از نتایج طرح‌ها و برنامه‌های پیش‌گیری را به دنبال داشته است (فرجیها، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

در مقاله حاضر سعی می‌شود با بررسی دیدگاه دو گروه از افراد، پیامدهای برنامه‌های بعضاً پلیسی را که در سال‌های اخیر در ایران اجرا شده است بررسی کنیم. به منظور مشخص بودن نوع برنامه پلیسی طرح ارتقای امنیت اجتماعی در بخش ارادل و اوباش برای نمونه

موردی بررسی می‌شود و پیامدهای مثبت و منفی آن از نظر کارشناسان و مردم اعلام خواهد شد.

طرح ارتقای امنیت اجتماعی، در ادامه طرح‌های قبلی پلیسی به شکل کیفی انتظامی در قالب گشت‌های ارشاد، اما در سطح وسیع‌تر و با ظاهری متفاوت و تبلیغ اهداف کارآمدتر در کاهش جرم و پیش‌گیری از آن نسبت به سایر برنامه‌های قبلی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۶ در سطح ملی به اجرا گذاشته شد. این طرح با شعار مبارزه با جرایم مخل نظم عمومی، نظیر برخورد با تخلفات ترافیکی، راکبان موتور، ایجادکنندگان آلودگی‌های صوتی، تکدی و ولگردی، اخلال در نظم عمومی، عربده‌کشی و مزاحمت برای نوامیس، بدپوششی، بدآرایی، جمع‌آوری اراذل و اوباش و معتادان و... آغاز شد.

سؤال اساسی مقاله این است که اجرای برنامه‌های بعضاً پلیسی در پیش‌گیری از جرایمی مانند مزاحمت و ایجاد اذیت و آزار برای شهروندان و ایجاد ترس و سلب امنیت آن‌ها در فضاهای عمومی (اوباشی‌گری) چه پیامدهای اجتماعی به دنبال دارد؟

روش مطالعه و نمونه‌گیری

روش این مقاله کیفی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای^۱ است و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق است. جمعیت مورد مطالعه متخصصان، محققان و کارشناسان حوزه پیش‌گیری از جرم در چهار رشته علمی، جامعه‌شناسی، علوم انتظامی، جرم‌شناسی و حقوق و مطلعان ساکن فضاهای عمومی و محله‌هایی است که برخورد با پدیده اراذل و اوباش در آنجا وجود داشته یا دارد. نمونه‌گیری مطالعه هدفمند و مبتنی بر اشباع نظری بوده است. در بخش کارشناسان موارد مصاحبه بر اساس تجارب پژوهشی و علمی و مسئولیت اداری و سازمانی فرد پاسخگو در مورد پیش‌گیری از جرم انتخاب شده‌اند و در بخش مطلعان هم افراد مطلع محلی مانند معتمدان محلی، اعضای شوراهای محله و افراد کلیدی در محله به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. گفتنی است داده‌های این تحقیق در بهار ۱۳۹۰ جمع‌آوری شده است و طرح ارتقای امنیت از سال ۱۳۸۶ شروع شده و هر از گاهی بخش‌هایی از آن مجدداً به اجرا گذاشته می‌شود.

^۱ Grounded theory

محلّه فلاح و میدان مقدم به عنوان فضای عمومی مصاحبه با مطلعان و افراد کلیدی انتخاب شد. دلیل این انتخاب انجام عملیات پلیسی در مبارزه با اراذل و اوباش بود که در رسانه‌های عمومی (تابستان ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) انعکاس یافته بود.

افرادی که به عنوان مجرم طرح اراذل و اوباش مدنظر بودند می‌بایست به عنوان یک گروه مورد مصاحبه قرار می‌گرفتند، اما به دلیل عدم همکاری مسئولان برای مصاحبه با مجرمان این حوزه انجام مصاحبه با این گروه ممکن نشد و در محلات هم پس از بررسی و پیگیری امکان مصاحبه با غیر از یکی دو نفر فراهم نشد. به همین دلیل این گروه به طور کامل از حوزه مطالعه خارج شدند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه شیوه کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی به شیوه نظریه زمینه‌ای استفاده شده است و بعد از شناسایی مفاهیم اصلی و فرعی و دستیابی به مقولات اصلی و برقراری ارتباط میان آن‌ها، تحلیل‌ها در قالب مدلی فرضی ارائه شده است.

محور اصلی سؤالات در مصاحبه با کارشناسان عبارت بود از سؤالاتی در مورد دیدگاه فرد مصاحبه‌شونده در مورد پیش‌گیری از جرم در ایران بعد از انقلاب، چالش‌ها و نقاط قوت اصلی آن. دیدگاه پاسخگو در مورد طرح ارتقای امنیت اجتماعی، چالش‌های اصلی این طرح و پیامدهای ناشی از آن و نقش طرح در افزایش احساس امنیت و تقویت آن در میان مردم نیز مطرح شده است.

محورهای اصلی سؤالات عبارت بود از: میزان آگاهی مردم از اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در محل کسب و کار یا زندگی خود، دیدگاه آن‌ها در مورد تأثیرات این طرح بر کاهش جرم یا احساس امنیت و پیامدها و مشکلات اصلی اجرای طرح در محدوده‌ای که آن‌ها با جرم مواجهه داشته‌اند.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در طرح مسئله هم گفته شد، طرح ارتقای امنیت اجتماعی به عنوان نمونه موردی طرح‌های پلیسی صرف در پیش‌گیری و مبارزه با اراذل و اوباش مورد توجه قرار گرفته است و پیامدهای آن از نظر مردم و کارشناسان بررسی می‌شود.

یافته‌ها در دو بخش ارائه می‌شود: در بخش اول، پیامدهای طرح از نظر کارشناسان و مردم واکاوی می‌شود و در بخش دوم، جمع‌بندی دیدگاه دو گروه در قالب کدگذاری محوری و گزینشی ارائه می‌شود.

مهم‌ترین پیامدهای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در مبارزه و پیش‌گیری از پدیده‌های اراذل و اوباش از نظر کارشناسان عبارت‌اند از: پیامدهای منفی (طرد اجتماعی، هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی برای نظام عدالت کیفری، سازمان‌یافتگی مجرمان و ترویج خشونت) و پیامدهای مثبت (ارتقای امنیت عینی و ذهنی بخشی از مردم در فضاهای عمومی شهری).

طرد اجتماعی: یکی از پیامدهای مهم طرح ارتقای امنیت اجتماعی طرد گروه‌های هدف از فضای شهری به واسطه عمل قهری است. بیشتر طرح‌های پلیسی و کیفری با طرد اجتماعی گروه‌های خاصی همراه است و شیوه‌های طردکننده جزء شیوه‌های اصلی برنامه‌های انتظامی و کیفری است. زیرا در این برنامه‌ها گروه‌هایی به‌عنوان هدف انتخاب می‌شوند و طرح در فضای عمومی در خصوص آن‌ها به اجرا گذاشته می‌شود.

معمولاً ماهیت طرح‌های پلیسی و انتظامی برجسب‌زنانه است و با توجه به نوع برنامه و کیفیت اجرا، موجب شرم‌ساری و تحقیر افراد گروه هدف می‌شود. شرم‌ساری ناشی از الصاق برجسب مجرم به دوری و طرد منجر می‌شود و به همین سبب ادغام مجدد^۱ و جذب اجتماعی^۲ کمتر شکل می‌گیرد. عموماً در این نوع برنامه‌ها آن دسته از گروه‌های اجتماعی که فاقد حمایت رسمی هستند مورد هدف قرار می‌گیرند. به دلیل فقدان همین حمایت رسمی، این برنامه‌ها زمینه طرد اجتماعی این گروه‌ها را از فضاهای عمومی فراهم می‌کنند. از طرف دیگر، این طرد خود منجر به شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های بزهکاری و مجرمانه می‌شود. یکی از کارشناسان حقوقی درباره ماهیت طردکنندگی این گونه اقدامات چنین می‌گوید:

«به‌طور نظری چنین اتفاقی در مورد این شیوه‌های اجرا مورد انتظار است. حتی در قالب نظریه برجسب هم به آن پردازیم ... این شیوه اجرا تحقیرکننده و طردکننده است. این نوع طرح‌ها ادغام‌کننده نیستند. اصولاً این شیوه اجرا جنبه اصلاحی و تربیتی ندارد.»

¹ Reintegration

² Social inclusion

به سبب تبعات ناخوشایندی که فرایندهای پردکننده به وجود می آورند، رویکرد جدید در جوامع بیش از عدالت کیفری به سوی عدالت ترمیمی است. در عدالت کیفری جامعه به مقابله با بزهکار و جرم می پردازد، در حالی که در عدالت ترمیمی جامعه، بزهکار و بزه دیده سه ضلع مثلث تلاش برای ترمیم اختلال ایجاد شده در نظم اجتماعی را شکل می دهند (غلامی، ۱۳۸۵).

هزینه های اجتماعی و اقتصادی طرح برای نظام عدالت کیفری

در بخش هزینه های اجتماعی و اقتصادی طرح می توان به سه مورد اشاره کرد که عبارت اند از:

۱. افزایش تعداد زندانیان: یکی از تبعات اجرای طرح های ضربتی مبتنی بر عدالت کیفری افزایش تعداد زندانی هاست و همان طور که می دانیم نگهداری زندانیان به لحاظ اقتصادی به شدت هزینه بر است. البته همان طور که قبلاً هم گفته شد، محدودیت های موجود در نگهداری افراد باعث شده بسیاری از دستگیر شدگان بعد از مدت کوتاهی آزاد شوند. اما به هر حال اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی پای بسیاری را به زندان باز کرد. یک کارشناس حقوقی درباره این وضعیت می گوید:

«همه آنهایی که دستگیر شدند کسانی بودند که چندین پرونده داشتند. چرا اینها وقتی مشکل داشتند آزاد شدند؟ چرا به مرخصی رفتند؟ نظام کیفری ما در مورد اراذل و اوباش دچار بلا تکلیفی است. سیاست واحدی وجود ندارد. در دوران آقای شاهرودی اعتقاد به کاهش زندانیان وجود داشت و در دوره جدید اعتقاد به زندانی کردن بیشتر است و از ۱۵۰ هزار دوران آقای شاهرودی الان آمار زندانیان به ۲۲۰ هزار نفر رسیده است».

۲. کاهش مشروعیت پلیس و نظام عدالت کیفری: از آنجایی بسیاری از اراذل و اوباش افرادی دارای سابقه کیفری بودند و در طرح های ضربتی از نوع طرح ارتقای امنیت اجتماعی بعد از مدت کوتاهی به محله های خود برمی گشتند مردم محلی دیدگاه های منفی به عملکرد صحیح پلیس پیدا می کردند.

۳. شائبه قدرت نمایی: یکی از کارشناسان حقوقی قوه قضائیه در این مورد بیان کرده است: «در مورد اراذل و اوباش بیشتر مانور تبلیغاتی می تواند باشد تا حتی مبارزه با جرم».

سازمان‌یافتگی مجرمان و جرم

طرح ارتقای امنیت اجتماعی و امثال آن منجر به تغییر جرایم از حالت فردی به حالت سازمان‌یافته می‌شود. زیرا با تشکیل گروه، سرمایه‌های درون‌گروهی تقویت می‌شود. مجرمان هم مانند افراد عادی دست به حسابگری و مقایسه سود و زیان می‌زنند. در این فرآیند درمی‌یابند تا زمانی که به صورت واحدهای تک‌افتاده هستند نمی‌توانند از حق خود دفاع کنند، بنابراین اگر واحدها یکی و هماهنگ شوند می‌توانند از حق خود دفاع کنند. سازمان‌یافتگی مجرمان منجر به سازمان‌یافتگی جرم می‌شود. در این صورت، علاوه بر اینکه مجرمان اعمال مجرمانه قبلی خود را انجام می‌دهند به دلیل شکل‌گیری سرمایه درون‌گروهی به سوی جرایمی دیگر هم سوق داده می‌شوند. نمونه آن گرایش ارادل و اوباش به خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، کالا و... است.

ترویج خشونت

در طرح‌های ضربتی مانند طرح ارتقای امنیت اجتماعی در خصوص ارادل و اوباش برخوردهای بسیار خشنی با دستگیرشدگان انجام می‌شود. بسیاری بر این باورند که مجرم به هر حال از نظر دینی، انسانی و قانونی انسان است. انسانی است که خطایی مرتکب شده و هیچ نوع برخورد غیرانسانی نباید با او صورت گیرد. معمولاً این‌طور گفته می‌شود که بروز خشونت در سطح جامعه از طرف هرکسی که باشد جامعه را خشن‌تر می‌سازد. یک جامعه‌شناس در این مورد معتقد است:

«روحیه ملاطفت را در جامعه از بین می‌برد. اینکه در انظار عمومی جامعه شلاق می‌زنید، آفتابه به گردن می‌اندازید و اعدام می‌کنید باعث تنبیه دیگران نمی‌شود. باعث می‌شود دیگران هم جسارت پیدا کنند یک چنین اعمال خشونت‌آمیزی را در موقعیتی که قدرت در دست داشته باشند ابراز بدارند.»

در واقع، پلیس برخورد قهری خود را در فضاهای عمومی به پشتوانه قدرت قانونی انجام می‌دهد. بنابراین افراد دیگر هم یاد می‌گیرند به میزان قدرت خودشان در گروه‌های اجتماعی و موقعیت‌های اجتماعی‌شان از خود خشونت بروز دهند. همین مسئله باعث می‌شود تا بسیاری

مخالف رویه‌های خشونت‌آمیز پلیس در طرح‌های ضربتی باشند. یک کارشناس حقوقی در این مورد می‌گوید:

«این برنامه مؤثر است اما موقتی است، بعداً با عکس‌العمل شدیدتر و جرایم بیشتر مواجه هستیم، مواجهه پلیسی و سرکوب هیچ چیزی را تأمین نمی‌کند. چون خشونت، خشونت تولید می‌کند. اول باید زیرساخت‌ها درست شود. پلیس باید آموزش دیده باشد. [وگرنه با اجرای چنین طرح‌هایی] حقوق شهروندی [مسلم مردم] جرم تلقی می‌شود».

ارتقای احساس امنیت مردم

یکی از پیامدهای ذهنی ایجادشده کاهش هراس مردم به‌واسطه اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در مورد اراذل و اوباش است. صرف‌نظر از میزان تأثیر طرح بر کاهش واقعی میزان جرم، معیارهای ذهنی نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. امروزه در حوزه پیش‌گیری، یکی از نکات اساسی این است که اگر برنامه‌ای میزان واقعی جرم را کاهش نداده باشد ولی احساس کاهش جرم را در جامعه به‌وجود آورده باشد، خود موفقیت محسوب می‌شود. بنابراین ملاک‌های ارزیابی برنامه پیش‌گیری دیگر صرفاً متکی بر کاهش یافتن آمار جرم نیست، بلکه اگر برنامه بتواند احساس امنیت را به‌وجود آورد می‌توان گفت مؤثر عمل کرده است. یک جرم‌شناس درباره تأثیر ذهنی طرح ارتقای امنیت می‌گوید:

«تحقیقات نشان داده است که گشت‌های پلیس منجر به کاهش آمار واقعی جرم نمی‌شود، بلکه باعث جابه‌جایی جرم می‌شود. منتهی از نظرسنجی‌هایی که انجام گرفته است مشخص شده است که ترس از جرم کاهش یافته است. بنابراین این خودش هدف است. درست است که آمار جرم کاهش پیدا نکرده است، اما مردم با دیدن پلیس احساس امنیت می‌کنند.»

به اعتقاد برخی کارشناسان شکسته‌شدن هیمنه این افراد به‌واسطه اقدامات تحقیرکننده باعث شد تا مردم دیگر احساس ترس نداشته باشند. یکی از کارشناسان نیروی انتظامی در این مورد می‌گوید:

«طرح ارتقای امنیت اجتماعی زمانی اجرا شد که در حوزه اراذل و اوباش کسی جرئت نمی‌کرد شکایت کند. این طرح باعث شد افراد جرئت پیدا کنند. بعد از آن براساس

گزارش‌هایی که رسید مشخص شد مردم جرئت پیدا کرده‌اند... اما متأسفانه ما هنوز فاصله زیادی با وضعیتی داریم که افراد در امنیت کامل به فضاهای عمومی مراجعه کنند».

جدول ۱. کدهای باز مربوط به پیامدهای مبارزه با اراذل و اوپاش در طرح ارتقای امنیت اجتماعی

ردیف	توضیح	مقوله یا مفهوم تئوریک	نوع پیامد
۱	افزایش تعداد زندانیان و تبعات ناشی از آن	هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی نظام عدالت کیفری	منفی
۲	ایجاد نگرش منفی به پلیس		
۳	زوال سرمایه اجتماعی پلیس		
۴	از بین رفتن مشروعیت پلیس و حکومت		
۵	ایجاد شائبه که پلیس به دنبال قدرت نمایی است نه مبارزه با جرم		
۵	بازگشت مجدد دستگیرشدگان به محل زندگی به علت خلأهای قانونی	نهادینه شدن خشونت	منفی
۶	ترویج خشونت در جامعه		
	جسارت یافتن افراد در مواجهه با پلیس و حکومت		
۷	طرد گروه‌های حاشیه‌ای از اماکن عمومی	طرد اجتماعی	منفی
۹	هویت‌یابی مجرمان و سازمان‌یافته شدن جرایم	سازمان‌یافتگی مجرمان و جرم	منفی
۱۰	کاهش ترس مردم از اراذل و اوپاش	ارتقای احساس امنیت	مثبت

پیامدهای مبارزه با اراذل و اوپاش از دیدگاه مردم در طرح ارتقای امنیت اجتماعی

پیامدهای طرح از دیدگاه مردم

شیوه برخورد پلیس با اراذل و اوپاش دستگیرشده از جمله موضوعاتی بود که در اجرای این طرح بسیار مورد توجه قرار گرفت و موافقت‌ها و مخالفت‌هایی را به دنبال داشت. در موارد زیادی افراد دستگیرشده به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و سپس در محل چرخانده می‌شدند. بعضاً این کار با انداختن آفتابه دور گردن یا سوار الاغ کردن آن‌ها انجام می‌شد. هدف از این کار بردن آبرو و شکستن اعتبار آن‌ها در محله عنوان می‌شد. اما سؤال اصلی در

اینجا این است که این شیوه برخورد ضربتی و خشن تا چه اندازه توانسته است پیامدهای مثبت و منفی در مورد امنیت را با خود ارمغان بیاورد.

در پاسخ به این سؤال در میان اهالی اختلاف نظر وجود دارد. در حالی که برخی از کاهش قابل توجه شرارت در محله خبر می دهند، گروهی وضعیت کنونی را بدتر از سابق می دانند. بنابراین، می توان دیدگاه مردم را به دو دسته موافقان و مخالفان طرح تقسیم کرد. موافقان شیوه های اعمال شده در طرح ارتقای امنیت در مبارزه با اراذل و اوباش دیدگاه موافقان طرح تحت عنوان پیامدهای مثبت ذکر می شود. مهم ترین پیامد مثبت این طرح ارتقای احساس امنیت عینی و ذهنی مردم در فضاهای عمومی شهری است.

ارتقای احساس امنیت عینی و ذهنی مردم در فضاهای عمومی شهری: یکی از کسبه منطقه در مورد فعالیت رئیس کلانتری سابق محدوده در مبارزه با اراذل و اوباش می گوید: «جناب سرهنگ... اراذل و اوباش را می گرفت و می چرخاند و بعد خوار و ذلیل می کرد. آفتابه می انداخت توی گردنشان و توی ۲۰ متری فلاح می گرداند یا توی محله ای که زندگی می کردند می چرخاند یا کسانی که زورگیری می کردند شلاق می زد. کسانی که این برخوردها باهاشان صورت می گرفت یک سری از این محل رفتند ولی بعضی هنوز هستند ولی به کسی کاری ندارند. با این طرحی که گذاشتند که مردم زنگ بزنند و با اراذل برخورد می شود خیلی آرام شدند».

همان طور که مشاهده می شود، این شهروند از موفقیت طرح و آرام شدن افراد شرور پس از برخورد پلیس خبر می دهد. همین فرد در ادامه می گوید که با انجام طرح ۶۰ تا ۷۰ درصد از اراذل کم شده اند و بقیه هم دیگر جرئت شرارت ندارند. یکی دیگر از پاسخگویان هم که مردی ۴۱ ساله و ساکن محل است از موفقیت زیاد طرح صحبت می کند. وی مانند بسیاری دیگر از عملکرد رئیس کلانتری^۱ وقت صحبت می کند و می گوید:

«قبل از حضور سرهنگ... اینجا خیلی اوضاع بدی داشت و عربده کشی داشتیم. ولی بعد از آقای... منطقه خیلی جمع شد... بعد از آقای... هم با طرح امنیت مبارزه با اراذل و اوباش خیلی بهتر شد، چون وقتی زنگ می زدیم می آمدند و جمع می کردند. ۷۰-۸۰ درصد بهتر شده».

^۱ به منظور حفظ بی طرفی در پژوهش از آوردن نام افراد خودداری شد.

به اعتقاد این دسته از مردم، برخورد علنی با اراذل و اوباش و تحقیر آن‌ها در محله باعث شد تا ترس مردم از آن‌ها کم شود. گزارش مردم به پلیس در این مورد با پیگیری سریع مأموران نیروی انتظامی همراه بوده و همین باعث کاهش میزان جرم و شرارت در منطقه شده است. در واقع بسیاری از افراد، صرف‌نظر از اینکه طرح ارتقای امنیت اجتماعی را موفق یا ناموفق بدانند، با نوع برخورد پلیس با آن‌ها موافق‌اند.

یکی دیگر از مواردی که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره می‌کنند این است که بسیاری از افراد شرور پس از تحقیر شدن در محل منطقه را ترک کرده و دیگر ساکن محله نیستند. این مسئله شاید مهم‌ترین پیامد تحقیر اراذل پس از دستگیری باشد. موضوعی که مهم‌ترین خواسته مردم در این منطقه برای افزایش امنیت به‌شمار می‌آید.

مخالفان موفقیت طرح ارتقای امنیت اجتماعی در مقابله با اراذل و اوباش

همه ساکنان مانند افراد بالا فکر نمی‌کردند. در واقع از نظر بسیاری از مردم طرح ارتقای امنیت اجتماعی نتوانسته است با خود امنیت دائمی به‌همراه بیاورد. از نظر آن‌ها این طرح و شیوه اجرای آن پیامدهای منفی زیر را به دنبال داشته است:

ایجاد هراس عمومی: اعمال شیوه‌های ضربتی (اعزام نیروی زیادی در یک مدت زمان کوتاه همراه با قاطعیت تمام و اعمال خشونت) در ساکنان محلی و افراد حاضر در فضاهای عمومی نوعی دلهره و ترس را به دنبال دارد و در فرایند تعقیب مجرمان ممکن است مزاحمت‌هایی برای افراد محلی به وجود آید. علاوه بر این، از آنجایی که شاکیان خصوصی به‌طور خاص در مورد اراذل و اوباش معمولاً وجود ندارد (به دلیل ترس یا مستندات کافی) این افراد بعد از مدت کوتاهی آزاد می‌شوند، آزادی این افراد در مدت کوتاهی پس از دستگیری نوعی دلهره و ترس را در مردم در فضاهای عمومی به وجود می‌آورد. ترس مردم ناشی از انتقام‌گیری و در مواردی ناشی از سلب اعتماد آن‌ها از نیروهای انتظامی است که به‌راحتی مجرمان را آزاد کرده‌اند. این آزادی از سوی نیروی انتظامی به دلیل تنگناهای قانونی و قضایی است، اما از آنجا که مردم از این تنگناها خبر ندارند خود مجرمان این‌طور تبلیغ می‌کنند که رشوه داده‌اند و آزاد شده‌اند، همین مسئله نوعی ناامنی را در مردم تقویت می‌کند.

طرد خانواده‌ها و اطرافیان مجرمان از سوی مردم محلی و مسئله آبروی آن‌ها یکی دیگر از نمودهای هراس عمومی است. یکی از مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره می‌کند که در میان

خانواده افراد دستگیر شده، خانواده شهدا نیز وجود دارند. بنابراین باید به جای در نظر گرفتن فرد، خانواده وی نیز مورد نظر قرار گیرد. یکی از شهروندان در پاسخ به این سؤال که به نظر شما استفاده از شیوه‌های خشن و تحقیرکننده برای مقابله با افراد شرور ضروری است می‌گوید: «نه لزومی ندارد آن کارها صورت بگیرد، وقتی قوه قضائیه می‌گوید شما زنگ بزنید ما می‌بریم و رسیدگی می‌کنیم این خودش طرح خوبی هست.

بنابراین یکی از معایب این شیوه اجرای طرح، ایجاد رعب و وحشت در دل خود ساکنان محل است. به هر حال مشاهده تعداد زیادی مأمور پلیس که به یکباره به محله‌ای وارد می‌شوند برای خود ساکنان استرس‌آور خواهد بود».

ترس از قربانی شدن مجدد و مضاعف: بسیاری از افراد از ترس فاش شدن نامشان تمایلی برای تماس با پلیس نشان نمی‌دهند. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، برخی دستگیرشدگان پس از آزادی به سراغ شاکیان می‌روند و آن‌ها را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. بنابراین به نظر می‌رسد بسیاری به جای برخوردهای مقطعی و خشن مقابلۀ دامنه‌دار و قانونی را ترجیح می‌دهند.

گسترش و بزرگ شدن دایره جرم: عدم موفقیت طرح و حضور اراذل و اوباش بعد از اجرای طرح حتی به شکلی بدتر یکی دیگر از پیامدهای اجرای طرح است. یکی از ساکنان محله معتقد است بگیر و ببندهای انجام شده در طرح ارتقای امنیت اجتماعی تأثیری نداشته است. وی در نقد اقدامات رئیس کلانتری محدوده می‌گوید:

«به نظر من کارهایی که می‌کرد اصلاً درست نبود... همین شغال‌ها [گروه معروف آشوبگر جنوب شهر] را آن موقع آمدند اینجا گرداندند ولی الان آزاد هستند. خدا شاهد است محله را به بدبختی کشیدند. همین‌ها هر شب اینجا عربده کشی می‌کنند. خودشان می‌گویند ما را دیشب گرفتند پول چکاندیم دم دهنتان ما را آزاد کردند».

مسئله‌ای که این شهروند در مورد رشوه به پلیس مطرح می‌کند، شائبه‌ای است که بسیاری دیگر از شهروندان نیز در آن سهیم‌اند. آزادی دستگیرشدگان بعد از چند روز و برگشتن آن‌ها به محل باعث شده بسیاری تصور کنند آن‌ها با توسل به شیوه‌های خاص مانند رشوه یا ارتباطات خانوادگی از چنگ قانون می‌گریزند و به محل برمی‌گردند. این بدبینی را در اظهارات یکی از اعضای شورایی محله می‌توان دید:

«مردم دیگر خسته شدند. مردم توی هر کوچه معضل دارند. طرح خوب است، ولی دیگر مردم خسته شده‌اند. از اینکه امروز می‌گیرند و فردا آزاد می‌کنند. این باعث می‌شود مردم بگویند که این‌ها حق حساب گرفتند و این‌ها از خودشان هستند. الان هم می‌گویند وقتی یک مأمور می‌آید، مردم می‌گویند آمده حق حساب بگیرد».

بنابراین از نظر مردم عدم برخورد قاطع با دستگیرشدگان که ناشی از موانع قانونی از سوی نیروهای انتظامی است باعث می‌شود در میان شهروندان به عملکرد پلیس و طرح ارتقای امنیت اجتماعی بدبینی وجود داشته باشد.

برگشت مجرمان به محله اغلب با جری شدن بیشتر آن‌ها هم همراه است و همین باعث افزایش جسارت آن‌ها در تعرض به افراد محلی می‌شود. در واقع این دسته از مردم برخلاف موافقان موفقیت طرح معتقدند بازگشت مجدد این افراد پس از بازداشت به محله باعث وخیم‌تر شدن اوضاع نیز شده است.

در تبیین و تأیید این نتیجه می‌توان به دیدگاه بکر^۱ در مورد میزان تأثیر برچسب‌زنی به مجرمان اشاره کرد. بکر معتقد است «کاربرد موفقیت‌آمیز برچسب‌زنی غالباً بر این مطلب که افراد کجرو هستند صحه می‌گذارد و باعث می‌شود که آن‌ها در زندگی انحرافی بمانند و قوی شوند». بکر از دو مدل مفهومی در بحث کجروی استفاده می‌کند. ۱. انحراف به‌عنوان شکستن قانون. ۲. انحراف به‌عنوان واکنش (بکر، ۱۹۶۳).

بر اساس دیدگاه مخالفان طرح و با توجه به مدل‌های مفهومی بکر می‌توان گفت گروه ارادل و اوباش قبل از دستگیری نوع انحراف و کجروی‌شان منطبق با مدل اول بکر، یعنی شکستن قانون، است. اما، پس از دستگیری و آزاد شدن انحراف مجدد آن‌ها از نوع انحراف به‌عنوان واکنش است و این به مراتب از کجروی اولی خطرناک‌تر است، چون با انتقام‌جویی از محله همراه است.

سازمان‌یافتگی مجرمان: ایجاد همبستگی درونی و شکل‌گیری سرمایه‌درون‌گروهی در کنار هویت‌یابی و کسب شهرت در محل زندگی از جمله مصادیق بارز سازمان‌یافتگی مجرمان است.

¹ Becker

ایجاد همبستگی درونی میان افراد شرور به علت مقابله پلیس با آنهاست. نمونه‌ای که اکثر ساکنان میدان مقدم به آن استناد می‌کنند مراسم تشییع جنازه یکی از افراد دستگیر شده است که در زندان به قتل رسیده بود. افراد محلی شاهد بوده‌اند که بسیاری از تمام مناطق تهران برای این مراسم به محله آن‌ها آمده بودند. یکی از اهالی در مورد این مراسم می‌گوید:

برای ختم او به قدری لات آمده بود که من تا به این سن رسیدم و این همه تشییع جنازه رفتم چه برای شهدا رفتم این قدر آدم ندیدم. چهل تا حجله گذاشته بودند و از میدان مقدم برایش بنر گذاشته بودند. از این طرف بنرها را پلیس جمع می‌کرد از آن طرف دوباره می‌گذاشتند.

استانلی کوهن در کتاب شیاطین مردمی و هراس اخلاقی^۱ اشاره می‌کند که چگونه پلیس، دادگاه، وسایل ارتباط جمعی و کارگزاران اخلاقی دو گروه کجرو را خلق کردند: «مودها و راک‌ها»^۲ داستان به این صورت است که عده‌ای جوان در یک روز تعطیل در یکی از شهرهای جنوب انگلیس برای پرسه‌زنی به اغذیه‌فروشی و بار می‌روند، ولی چون صاحبان رستوران و بار از سرویس دادن به آن‌ها خودداری می‌کنند، آن‌ها نیز با موتور سواری سروصدا ایجاد می‌کنند و قضیه صرفاً در همین حد بوده است. ولی انعکاس آن در رسانه‌ها و پیگیری جدی پلیس باعث شکل‌گیری این گروه در قالب باند شد که تا به امروز هم حضور دارند و روزهای خاصی را در سطح شهر موتورسواری و سروصدا ایجاد می‌کنند و برای آن‌ها تصویری انحرافی از خود درست شده است (کوهن، ۱۹۸۰).

با توجه به این نمونه و دیدگاه مخالفان طرح ارتقای امنیت در بخش ارادل و اوباش می‌توان گفت بزرگ‌نمایی کجروی نشان می‌دهد که چگونه آژانس‌های کنترل نتایج ناخواسته‌ای را از قبیل سازمان‌یافتگی مجرمان و در مواردی ایجاد «طبقه کجرو» به وجود می‌آورند. ویلکینز نتیجه ناخواسته بزرگ‌نمایی جرم توسط رسانه‌ها و آژانس‌های کنترل را «گسترش جرم»^۳ می‌داند (ویلکینز، ۱۹۶۴).

^۱ Folk Devils and Moral Panic

^۲ The Mods and the Rocks

^۳ Deviance amplification

بنابراین باید توجه داشت که نحوه اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در رسیدن آن به اهدافش بسیار اهمیت دارد. مسائلی که در بالا ذکر شد، محصول شیوه کنونی اجرا و از پیامدهای نامناسب و ناخواسته آن است که باید به آن توجه شود.

بگیر و بیندهای انجام‌شده باعث می‌شود این افراد هویت پیدا کنند و بعضاً به آن افتخار کنند. نمونه جالبی از این مسئله را یکی از شهروندان این گونه تعریف می‌کند:

یک ماه دو ماه طرف را می‌گرفتند بعد آزاد می‌شد، دوباره می‌آمد محل. یکی سر همین کوچه روبه‌رو گرفته بودندش توی تلویزیون نشانش دادند روز بعد آمد سر کوچه گفت مردم پول می‌دهند می‌روند تلویزیون تبلیغ می‌کنند ما پول نداده رفتیم تلویزیون و تبلیغ شدیم. همان آفتابه به گردن می‌رفت تو تلویزیون نشانش می‌دادند. این می‌آمد داخل محل سینه سپر می‌کرد راه می‌رفت می‌گفت تلویزیون نشانمان داد تبلیغمان کرد آمدیم بیرون تمام شد.

این مطلب نشان می‌دهد شیوه‌هایی که برای شرمساری این نوع آدم‌ها در پیش گرفته بود نه تنها منجر به شرمساری نمی‌شد بلکه منجر به این می‌شد که هویت پیدا کنند و جایگاهی در این حوزه پیدا کنند. در واقع برای بسیاری از این افراد کسب هویت و شهرت از راه درگیر شدن با گروه‌های رقیب و ایجاد رعب و وحشت به دست می‌آید. داستان‌های مربوط به درگیری این گروه‌ها در این محله‌ها دهان به دهان می‌چرخد و بعضاً از آن‌ها اسطوره‌سازی هم می‌شود. بنابراین یکی از نتایج اجرای این طرح از نظر برخی پاسخگویان این بوده است که افراد شرور و کم‌نام و نشان با دستگیر شدن در طرح معروف و مشهور شده‌اند. این افراد پس از بازگشت از زندان دارای هویت جدیدی هستند و خود را صاحب قدرت در محل جلوه می‌دهند. یکی از پاسخگویان در مورد اثر زندان بر شکل‌گیری هویت این افراد می‌گوید:

یک سری توی زندان بزرگ می‌شوند. وقتی بیرون می‌آیند گنده می‌شوند، همین مهدی سیاه [جوان ۲۵ ساله و گنده منطقه جنوب شهر] اسمی نداشت. رفت زندان وقتی آمد بیرون انگار که بادش داده باشند برای خودش یلی شده بود و زمانی که اینجا دعوا شد این روی شغال‌ها شمشیر کشید، گفتن مهدی سیاه بزرگ شده. وقتی توی زندان هم بود با شغال‌ها دعوا کرد و همین جوری خود زندان این‌ها را بزرگ و گنده کرد. ما آدم‌هایی داریم وقتی می‌روند زندان چیزها و کارهایی جدید یاد می‌گیرند.

جدول ۲. کدهای باز مربوط به پیامدهای طرح از نظر مردم در فضاهای عمومی

ردیف	کد باز	مقولات و مفاهیم تئوریک و جامعه‌شناختی	نوع پیامد
۱	موفقیت نسبی در کاهش فعالیت‌های شرورانه در اماکن عمومی	ارتقای امنیت عینی و ذهنی ساکنان محلی	مثبت
۲	کاهش ترس مردم از افراد شرور به‌واسطه نوع برخورد پلیس		
۳	کاهش نزاع‌های خیابانی، قمه‌کشی و چاقو‌کشی		
۴	ترک کردن محله از سوی افراد شرور		
۵	مخالفت با نحوه برخورد پلیس	ایجاد هراس عمومی ^{۵۲}	منفی
۶	آزادشدن ارادل بعد از دستگیری		
۷	آزادشدن ارادل با رشوه		
۸	بدتر شدن وضعیت پس از طرح		
۹	ترک محله توسط ساکنان	ترس از قربانی شدن مجدد و مضاعف ^{۵۳}	منفی
۱۰	ترس مردم محله از ارادل		
۱۱	آزار مردم پس از آزادی ارادل و اوباش		
۱۲	انتقام‌جویی ارادل و اوباش از شاکیان		
۱۳	تأثیر معکوس طرح	گسترش و بزرگ شدن دایره جرم ^{۵۴}	منفی
۱۴	همکاری برخی عوامل پلیس با ارادل		
۱۵	بازگشت به وضع سابق به علت عدم تداوم طرح		
۱۶	جری شدن دستگیرشدگان		
۱۷	واکنش غیرمؤثر پلیس در مواقع عادی		
۱۸	عدم دستگیری افراد اصلی		
۱۹	قهرمان شدن دستگیرشدگان	سازمان یافتگی مجرمان	منفی
۲۰	آزادشدن ارادل به‌واسطه رابطه‌های خویشاوندی		

⁵² Moral Panic

⁵³ Fear Of revictimization

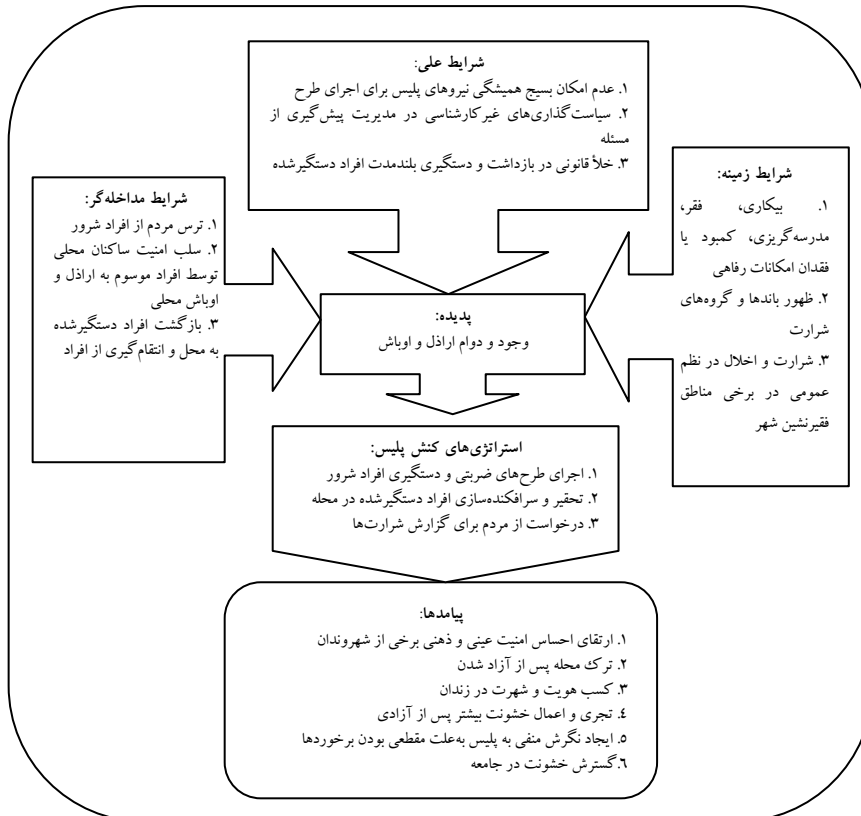
⁵⁴ Deviance Amplification

۲۱	شکل‌گیری همبستگی درونی میان ارادل		
۲۲	تأثیر منفی زندان بر دستگیرشدگان		

تدوین مدل پارادایمی

در این بخش با توجه به مقوله‌های به‌دست آمده در بخش قبل و با توجه به مدل پارادایمی پیشنهادی کربن و اشتراوس (۲۰۰۸) کدگذاری محوری انجام شده است. در روش نظریه‌مبنایی مدل پارادایمی به این شکل تدوین می‌شود:

مدل ۱. مدل پارادایمی درک پیامدهای مبارزه با ارادل و اوباش در طرح ارتقای امنیت اجتماعی



روایت: داستان ارادل و اوباش و پیامدهای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در این زمینه مسئله جرم و بزهکاری در محله‌های فقیرنشین شهری پدیده‌ای آشنا در تمام شهرهای بزرگ است. این پدیده در ایران با خرده‌فرهنگ "لاتی" پیوند خورده و شکل ویژه‌ای از جرم گروهی را به وجود آورده است. در سال‌های اخیر به تدریج عبارت "ارادل و اوباش" برای توصیف این گروه‌ها برساخت شده است. این مفهوم معمولاً برای کسانی به کار می‌رود که سابقه طولانی شرارت در منطقه دارند و اعمال خشونت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رفتاری آنهاست. عبارت ارادل و اوباش بیشتر مفهومی عرفی و کوچه‌بازاری در فرهنگ ایرانی است و برای افرادی به کار می‌رود که به‌طور دسته‌جمعی با رفتارهای ناهنجار مانند مزاحمت نوامیس، سروصداهای ناهنجار، تجاوز به عنف، ولگردی، جرایم مواد مخدر و... آسایش و امنیت محله را سلب می‌کنند. با آغاز طرح ارتقای امنیت اجتماعی توجه خاصی به این گروه‌ها شد و پلیس در شهرهای مختلف با اجرای طرح‌های ضربتی به برخورد با آنها پرداخت. اجرای این طرح با حاشیه‌های فراوانی نیز همراه بود. مسئله تحقیر و چرخاندن افراد دستگیرشده در محله برای شکستن هیمنه آنان از جمله مواردی بود که موافقت‌ها و مخالفت‌های زیادی ایجاد کرد. بسیاری از ساکنان محلی از این نحوه اجرای طرح راضی بوده و تحقیر دستگیرشدگان را اقدام مناسبی از سوی پلیس ارزیابی می‌کنند. اما در مورد میزان موفقیت این طرح در کاهش فعالیت گروه‌های شرور اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی اثر این طرح را در کاهش نزاع‌های خیابانی و چاقوکشی مثبت ارزیابی می‌کنند و به‌طور کلی معتقدند بعد از اجرای طرح میزان فعالیت گروه‌های شرور به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. البته برخی دیگر از ساکنان محلی معتقدند تعداد زیادی از افراد دستگیرشده پس از مدتی آزاد می‌شوند و پس از بازگشت به محله با شدت بیشتری به شرارت می‌پردازند. کارشناسان حقوقی، فقدان آمارهای قابل اعتماد در مورد میزان جرم و جنایت را مانع مهمی برای ارزیابی موفقیت طرح می‌دانند. برخی کارشناسان هم عقیده دارند که طرح مبارزه با ارادل و اوباش حتی اگر توانسته باشد احساس کاهش جرم را در بین ساکنان ایجاد کند، به موفقیت بزرگی دست پیدا کرده است. امری که مسئولان نیروی انتظامی بر آن تأکید دارند و معتقدند اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی باعث کاهش ترس شهروندان از افراد شرور و افزایش احساس امنیت در آنها شده است. اما باید توجه داشت که اگر اقدامات ضربتی پلیس در کوتاه‌مدت باعث پاک‌سازی محل و

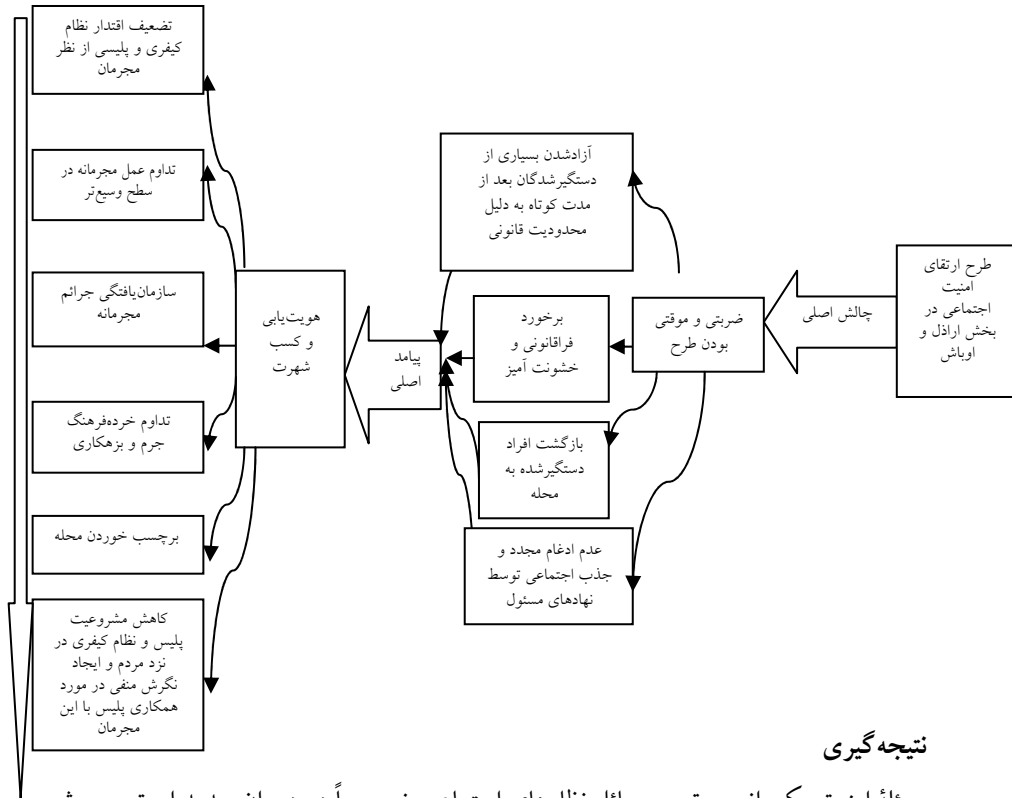
افزایش رضایت شهروندان شده، در بلندمدت و به سبب بازگشت افراد به محله وضعیت مجدداً برای ساکنان ناگوار شده است. به‌طور کلی، در تحلیل این طرح می‌توان گفت مقوله اصلی عدم تداوم و مقطعی انجام شدن طرح است. در واقع بسیاری از موارد بالا و مقوله‌های دیگر را می‌توان براساس همین مؤلفه توضیح داد. از یک سو پلیس با محدودیت امکانات و منابع روبه‌رو است و نمی‌تواند به‌طور دائم نیروهای خود را در این بخش استفاده کند. لذا مجبور است با اجرای طرح‌های ضربتی به یکباره اقدام به بازداشت و جمع‌آوری این افراد کند. از سوی دیگر، این افراد پس از مدت کوتاهی از زندان آزاد می‌شوند زیرا قاضی مستندات مشخصی برای صدور حکم این افراد ندارد. باید به این نکته اشاره کرد که در قانون مجازات اسلامی، هیچ ماده قانونی برای افرادی که به صورت گروهی به این قبیل جرایم می‌پردازند وجود ندارد. این مسئله عملاً به یکی از مهم‌ترین چالش‌های طرح بدل شده است. افراد بازداشت‌شده معمولاً شاکیان خصوصی ندارند و در قالب طرح ارتقای امنیت به‌طور دسته‌جمعی بازداشت شده‌اند. از سوی دیگر، ترس مردم محلی از بازگشت این افراد سبب می‌شود بسیاری جرئت شکایت کردن از این افراد را نداشته باشند. افراد دستگیرشده در زندان مشهور می‌شوند و هویت می‌یابند. این افراد پس از آزادی دست به اعمال خشونت‌های گسترده‌تری می‌زنند. در واقع آن‌ها برای اینکه نشان دهند دستگیری و زندان آن‌ها را ترساننده است به اقداماتی دست می‌زنند که شاید قبل از زندان مرتکب نمی‌شدند. البته در مواردی هم افراد دستگیرشده محله را برای همیشه ترک می‌کنند. ولی این به معنای خالی شدن محله از افراد شرور نیست. اقدامات ضربتی تنها در مقاطعی میزان تظاهر بیرونی این شرارت‌ها را کم می‌کند و پس از مدتی وضعیت به حالتی نزدیک به وضعیت اولیه برمی‌گردد. در واقع پیش‌گیری از جرم را باید فرآیندی طولانی دانست که طرح ارتقای امنیت اجتماعی صرفاً یک مقطع خاص آن است. از یک طرف، وضعیت زیرساختی و فرهنگی محله امکان پرورش افراد شرور را مهیا می‌کند و از طرف دیگر هیچ سازوکاری برای بازگرداندن این افراد به زندگی طبیعی وجود ندارد.

به‌طور کلی، می‌توان گفت مهم‌ترین چالش‌های طرح ارتقای امنیت اجتماعی در مبارزه با ارادل و اوباش ضربتی و موقت بودن طرح است. علاوه براین، موانع قانونی در برخورد با دستگیرشدگان که منجر به آزادی زودهنگام و بازگشت آن‌ها به محله می‌شود و از سوی دیگر

فراهم بودن زمینه‌های زیرساختی محله برای پرورش افراد شرور منجر به ترس افراد محلی از شکایت است.

مهم‌ترین پیامدهای این طرح نیز کسب هویت و شهرت در زندان و شکل‌گیری طبقه اجتماعی کجرو، تجری و اعمال خشونت بیشتر پس از آزادی، ایجاد نگرش منفی به پلیس به علت مقطعی بودن برخوردها و گسترش خشونت در جامعه است.

۲. مدل نظری مربوط به چالش‌ها و پیامدهای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در بخش اراذل و اوباش



نتیجه‌گیری

مسئله امنیت یکی از مهم‌ترین مسائل نظام‌های اجتماعی خصوصاً در دوران جدید است. مبحث پیش‌گیری از جرم با توجه به تعاریف مختلف آن معمولاً گستره‌ای وسیع دارد و بسیاری از نهادها و سازمان‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد. البته مبارزه با جرم و پیش‌گیری از آن از این جهت با یکدیگر ارتباط دارند که تصور می‌شود اولی خود عاملی برای تحقق دومی است. در ایران، بر اساس قانون هم مبارزه و هم پیش‌گیری از جرم به نهادهای انتظامی و قضایی واگذار شده است. لذا به نظر می‌رسد تأکید اصلی بر بازدارندگی و مجازات و تأثیر آن بر کاهش جرم

باشد. سیاست اصلی دیدگاه بازدارندگی، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه جرم است. این موضوع سبب نادیده گرفته شدن اهمیت رویکردهای چندنهادی در بحث پیش‌گیری شده است. شاید یکی از مهم‌ترین مسائلی که در حوزه مبارزه با جرم و پیش‌گیری از جرم با آن مواجه هستیم، همین نگاه محدود به پیش‌گیری از جرم باشد که مانع اجرای طرح‌های پیش‌گیری اجتماع‌محور، قربانی‌محور و محیط‌محور است.

در ایران به نظر می‌رسد به جای چنین رویکردهایی، تأکید اصلی بر پیش‌گیری‌های انتظامی است. به عبارت دیگر، در ایران پیش‌گیری عمدتاً بعد از وقوع جرم است و پیش‌گیری‌های اولیه که ناظر به مرحله تکوین جرم باشد مورد تأکید نیست.

در زمینه پیش‌گیری و مبارزه با پدیده اراذل و اوباش باید گفت ایجاد و تداوم این پدیده در جامعه به عوامل متعددی بستگی دارد. این عوامل از جامعه‌پذیری در سنین اولیه آغاز می‌شود و تا بازپذیری مجرمان به آغوش جامعه ادامه می‌یابد. شاید بتوان گفت مسئله اصلی طرح ارتقای امنیت اجتماعی این است که در غیاب بسیاری از مؤلفه‌های لازم در طول این فرایند، صرفاً به اقدامی مقطعی یعنی عملیات ضربتی و دستگیری افراد بسنده شده است. در شرایطی که ویژگی‌های خاص اجتماعی و فرهنگی و شرایط محیطی و کالبدی فرصت‌های لازم را برای پرورش و تداوم پدیده اراذل و اوباش فراهم می‌کند، اتکای صرف به برخورد انتظامی نمی‌تواند راهگشای کاهش جرم در این حوزه باشد. از طرف دیگر وقتی شرایط لازم برای بازگشت افراد دستگیر شده به وضعیت زندگی عادی و هم‌نوا وجود ندارد، عملیات انتظامی تنها می‌تواند وقفه‌ای در جریان جرم و کجروی ایجاد کند. اگر عدم امکان بازداشت و نگهداری مجرمان را - به‌عللی که در بالا به تفصیل بیان شد - در نظر داشته باشیم خواهیم دید که عملیات پلیسی تأثیر چندانی در کاهش میزان جرایم نداشته‌اند.

در واقع به‌جای خصلت بازپذیری، این شیوه از اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی ویژگی‌های طردکننده دارد. این طرد هم می‌تواند طرد عینی افراد از فضاهای عمومی شهری باشد و هم باعث از میان رفتن حس تعلق آن‌ها به جامعه شود. لذا شاید بتوان مسئله طرد اجتماعی را مهم‌ترین پیامد منفی طرح ارتقای امنیت اجتماعی در ایران دانست که به‌جای افزایش احتمال هم‌نوایی، باعث شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های مقاومت و شکل‌گیری ناهنجاری به‌عنوان نماد مقاومت می‌شود.

ورود بسیاری از سازمان‌ها و نهادها به بحث مبارزه با ارادل و اوباش می‌تواند زمینه‌های تداوم و رشد خرده‌فرهنگ‌های موافق شرارت را کاهش دهد. ارتقای منابع امکانات زیرساختی محله‌های محروم و تغییر طراحی محیطی مکان‌های آلوده از جمله اقدامات غیرپلیسی است که می‌تواند به کاهش جرم در مناطق محروم و آلوده کمک کند.

در واقع لازم است تا از یک سو نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی وارد حوزه پیش‌گیری از جرم شوند و از سوی دیگر نهادهای انتظامی نیز به سمت رویکردهای جامعه‌محور و نزدیک‌شدن به مردم حرکت کنند. امروزه لزوم مشارکت مردم برای موفقیت طرح‌های مختلف دولتی برای همگان روشن شده است. احترام به دیدگاه شهروندان و ایجاد بسترهای لازم برای تقویت همکاری مردم و نهادهای غیردولتی با پلیس می‌تواند در افزایش امنیت اجتماعی کمک مؤثری باشد. از این نظر ایجاد اعتماد در شهروندان به پلیس لازمه مشارکت مردمی و موفقیت اقدامات انتظامی است. در حالی که مبارزه قاطع با جرم یکی از مؤلفه‌های اصلی افزایش اعتماد مردم به پلیس است، استفاده از شیوه‌هایی که هراس عمومی به وجود آورد و در عمل تأثیر چندانی هم بر کاهش ارادل و اوباش نداشته باشد، از اعتماد مردم به پلیس خواهد کاست. در واقع، لازمه موفقیت پلیس ترس مجرمان از پلیس و اعتماد اکثر مردم به نیروهای انتظامی است. به نظر می‌رسد نیروی انتظامی در طرح ارتقای امنیت اجتماعی نتوانسته است به این دو مسئله جامع عمل بپوشاند. از طرفی آزادی ارادل و اوباش شائبه عدم توانایی پلیس و نهاد قضایی را برای مجرمان به وجود آورده و آن‌ها را گستاخ‌تر کرده است. از طرف دیگر آزادی زودهنگام این افراد شائبه همکاری و مماشات با این افراد را از سوی پلیس به وجود آورده و باعث ایجاد نارضایتی در عموم مردم و کاهش اعتماد به پلیس شده است. پلیسی که مجرمان از آن نترسند و در عوض مردم عادی شهر به مأموران آن بدبین باشند، پلیس مقتدری نیست. لذا به نظر می‌رسد تجدیدنظر اساسی در سیاست‌گذاری برای اقدامات مبارزه با جرم و پیش‌گیری از جرم برای کاهش پیامدهای منفی طرح‌های کنونی ضروری است. طرح این مسائل به معنای نادیده گرفتن پیامدهای مثبت طرح‌های پلیسی نیست، اما به نظر می‌رسد بهایی که برای اجرای این طرح‌ها پرداخته‌ایم در بلندمدت جبران‌ناپذیر باشد. در پایان به منظور مدیریت پیامدها (تقویت پیامدهای مثبت و کاهش پیامدهای منفی) و برنامه‌ریزی بهتر و کارآمدتر در پیش‌گیری و مبارزه با پدیده ارادل و اوباش پیشنهاداتی ارائه می‌گردد.

نظارت مستمر و دائمی و رها نکردن حوزه زندگی و فعالیت این نوع افراد (صادقی و کریمی، ۱۳۸۸)؛ شناسایی افراد مجرم و قراردادن آن‌ها تحت نظارت و حتی استفاده از وسایل الکترونیکی برای کنترل آن‌ها؛ تقویت نظارت محله‌ای و مشارکت‌های اجتماعی و مردمی هم برای تقویت کنترل غیررسمی و هم برای ایجاد تسهیلات لازم برای ادغام مجدد این افراد در اجتماعات محلی؛ تقویت و راه‌اندازی گروه‌های مردم‌نهاد برای مبارزه با جرم و پیش‌گیری از آن؛ توانمندسازی و تقویت محله از حیث سامان‌بخشی به اوقات فراغت کودکان و نوجوانانی که به دلیل مشکلات خانوادگی (پایگاه اقتصادی و اجتماعی، بالا بودن بعد خانوار و متراژ پایین مسکن) از بسیاری امکانات رفاهی و مکان مطالعه بی‌بهره‌اند؛ از بین بردن فضاهای بی‌دفاع شهری با استفاده از طراحی شهری؛ برپایی مراکز آموزشی، فرهنگی، ورزشی، هنری و دینی با حمایت سازمان‌های دولتی در محله‌هایی که این افراد زندگی می‌کنند و ممکن است الگوی رفتاری در بازی‌ها و سرگرمی‌های کودکان و نوجوانان شوند؛ تقویت شوراهای محلی و مساجد محلی به منظور ایجاد زمینه‌های جذب مجدد این افراد؛ استقرار بعضی از فعالیت‌های اداری در محل که فضاهای محلی را تلطیف کند، مانند احداث درمانگاه و...؛ همکاری نهادهای مختلف از جمله، شهرداری، نیروی انتظامی، کمیته امداد امام خمینی، بهزیستی، صدا و سیما؛ حمایت از خانواده‌هایی که بچه‌های خطرپذیر دارند و شناسایی بچه‌های خطرپذیر از سن مدرسه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها؛ گشت‌های مستمر پلیس در محله.

منابع

- بکر، هنک و فرنک ونکلی (۱۳۸۸) *راهنمای بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: جامعه‌شناسان.
- جوآنمرد، بهروز (۱۳۸۸) «تعامل سازمان پلیس و دستگاه قضایی ایران در زمینه پیش‌گیری از جرایم خرد»، در مجموعه مقالات *پیش‌گیری از جرم*، رویکرد چندنهادی، محمد فرجیها و فیروز محمودی جانکی، اولین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، تهران: چاپخانه معاونت آموزش ناجا.

صادقی فسایی، سهیلا و شیوا کریمی (۱۳۸۸) «جرم‌شناسی خود و دیگری: دیدگاه‌های نظری کاهش جرم با تأکید بر نقش خانواده»، در مجموعه مقالات پیش‌گیری از جرم با رویکرد جامعه‌شناختی، اولین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، تهران: چاپخانه معاونت آموزش ناجا.

صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۵) *آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات*، چاپ دوم، تهران: آن.

غلامی، حسین (۱۳۸۵) *عدالت ترمیمی*، تهران: سمت.

فرجیها، محمد (۱۳۸۷) «ارزیابی مداخله‌های پیش‌گیرانه پلیس: چالش‌های روش‌شناختی و سیاست‌گذاری»، در مجموعه مقالات پلیس و پیش‌گیری از جرم، زیر نظر علی حسین نجفی ابراندآبادی، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا.

Becker, H. (1963) *Outsiders*, New York: Free Press.

Corbin, J. and A. Strauss. (2008) *Basic of Qualitative Research: Third Edition*, London: Sage Publication Inc.

Hirschi, Travis (1989) 'Exploring Alternatives to Integrated Theory', in Steven E. Messner, Marvin D. Krohn, and Allen E. Liska (eds) *Theoretical Integration in the Study of Deviance and Crime: Problems and Perspectives*, pp. 37-49. Albany, NY: State University of New York Press.

Reiss, A. Jr. and Ja. Roth (eds) (1993) *Understanding and Preventing Violence*, Washington, DC: National Academy Press.

Sherman, Lawrence. W., David P. Farrington, Brandon C. Welsh, Doris Layton Mackenzie (2006) *Evidence-Based Crime Prevention: Revised Edition*, London and New York: Routledge Press. Vanclay, F. (2003) "International Principles for Social Impact Assessment", *Impact Assessment and Project Appraisal*, 21 (1): 5-11.

Wilkins, Leslie T. (1964) *Social Deviance: Social Policy, Action and Research*, London: Tavistock.